



کافر

کافر یا همان فاعل کفر به معنی فردی است که ایمان ندارد. به کافران، اهل کفر و اهل تکفیر نیز گفته میشود؛ جمع کافر، کافران، کافرین، کُفَّار و کَفَره است.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف کافر
- ۱.۱ - تعریف کافر از منظر اشاعره
- ۱.۲ - تعریف کافر از منظر کرامیه
- ۱.۳ - تعریف کافر از منظر خوارج
- ۱.۴ - تعریف کافر از منظر معتزله
- ۱.۵ - تعریف کافر از منظر شیعیان
- ۲ - اقسام کافران
- ۳ - احکام کافر
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

تعریف کافر

تعریف «کافر» بسته به تعریفی است که برای «کفر» پیش می‌کشند و آن نیز بر تعریف ایمان مبتنی است. فرقه‌های مسلمان، تعاریف متعددی برای ایمان مطرح ساخته‌اند و از این رو، تعریف کافر نیز گوناگون گشته است.

← تعریف کافر از منظر اشاعره

اشاعره که ایمان را عبارت از باور به همه ضروریات دین دانسته‌اند، کسی را کافر می‌خوانند که ضروری دین را انکار کند.

← تعریف کافر از منظر کرامیه

کرامیه، که برای ایمان، تنها شهادتین را کافی می‌دانند، کسی را کافر می‌شمارند که شهادتین را نپذیرد.

← تعریف کافر از منظر خوارج

خوارج، عمل را نیز جزو ایمان می‌انگارند و از این رو، کسی را که به گناه کبیره آلوده است، کافر می‌شمارند.

← تعریف کافر از منظر معتزله

معتزله چنین کسی را نه کافر می‌دانند و نه مؤمن؛ بلکه او را در جایی میان کافر و ایمان می‌نشانند و نام این جا را «منزله بین‌المنزلتین» می‌گذارند. شیعیان نظریه‌ای دیگر دارند. آنان معتقدند اگر مؤمنی خویش را به گناه کبیره بیالاید، از ایمان نمی‌افتد؛ بلکه او مؤمن فاسق است.

← تعریف کافر از منظر شیعیان

برخی شیعیان، ایمان را دارای سه رکن دانسته‌اند: باور قلبی، اقرار زبانی و عمل. بنابراین دیدگاه، وجود این سه رکن برای ایمان لازم است و اگر یکی از آنها فرو بریزد، شخص به کفر می‌لغزد. اما نظریه مشهور علمای شیعه این است که ایمان همان باور قلبی، همراه اقرار زبانی است. بنابراین، کسی که یکی از اصول یا ضروریات دینی را باور نکند و به اقرار زبانی نیاورد، کافر است. برخی فقهای بزرگ شیعه گفته‌اند: کافر، کسی است که الوهیت، یا توحید، یا رسالت و یا ضروری دین را- در عین التفات به ضروری بودن آن- انکار کند به گونه‌ای که به انکار رسالت بینجامد [۱]

اقسام کافران

کافران بر چند گروه اند:

الف. **مشرک**:

کسی است که به بیش از خدای واحد معتقد است.

ب. **کتابی**

کسی که به یکی از ادیان ابراهیمی صاحب کتاب- جز اسلام- معتقد است.

ج. **منافی**:

کسی که در دل کافر است و به ظاهر مسلمان.

د. **مرتد**:

کسی که پس از ایمان، به کفر بازگشته است. در ادبیات اسلامی، منکران خدا را **دهری**، **ملحد** و **معطل** نیز گفته اند هر چند اصطلاح **ملحد** را برای برخی فرقه مسلمان مانند **اسماعیلیه** نیز به کار برده اند. «زندیق» نیز تنها برای فرقه **مانویه** به کار رفته است؛ اما هر مسلمانی را نیز که سخن کفرآمیز بگوید، از باب مجاز، **زندیق** گویند.

احکام کافر

کافران از نظر فقهی، احکامی ویژه دارند. در فقه شیعه، کافر به صورت مطلق، **نجس** شمرده شده است. البته برخی فقهای شیعه، **کافران ذمی** را پاک می‌دانند. (اهل ذمه) در باب جهاد با **کفار** نیز احکامی در فقه آمده است. کافران از این نظر، یا حربی‌اند، یعنی کافر غیر اهل کتاب‌اند و اینان به اسلام دعوت می‌شوند و در صورت نپذیرفتن اسلام، کشته می‌گردند و یا کتابی‌اند. **کافران کتابی**، **یهود** و **نصارا** و **مجوس** اند. اگر اینان **اسلام** نیاورند، باید **جزیه** بپردازند. بدین سان، می‌توانند در بلاد اسلامی با **مسلمانان** زیست کنند^[۲]

پانویس

۱. ↑ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴.

۲. ↑ دائرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۲۱۴۴.

منبع

فرهنگ شیعه، ص ۲۸۲. 

رده‌های این صفحه: **فقه** | **کلام** | **کفر**